

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فریب بزرگ

علم اقتصاد یا اقتصادِ علم نما

(به همراه متن انگلیسی)

دکتر مسعود درخشان

استاد اقتصاد و چهره ماندگار دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

ترجمه و تعلیقات:

دکتر عاطفه تکلیف

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: فریب بزرگ: علم اقتصاد یا اقتصاد علم‌نما (به همراه متن انگلیسی)

مؤلف: دکتر مسعود درخشان

ترجمه و تعلیقات: دکتر عاطفه تکلیف

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

طراح جلد: رضا دنیوی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دبیا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۱

قیمت: ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۷۶-۸

«این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: درخشان، مسعود، ۱۳۲۸-

عنوان و نام پدیدآور: فریب بزرگ: علم اقتصاد یا اقتصاد علم‌نما (به همراه متن انگلیسی) / مسعود درخشان؛ ترجمه و تعلیقات عاطفه تکلیف.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۴۲، ۲۸۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۷۶-۸

ص.ع به انگلیسی: The great deceit economic science or the pseudo-science of economics.

موضوع: اقتصاد

شناسه افزوده: تکلیف، عاطفه، ۱۳۵۹ - مترجم

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: HB ۱۸۰

رده‌بندی دیوبی: ۳۳۰

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۱۸۹۶۵

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

«اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است، متکی بر جهان بینی دیگری است، حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند. همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند».

بیانات مقام معظم رهبری

در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم

۲۹ مهرماه ۱۳۸۹

تقدیم به

حضرت آیت‌ا... باقری کنی (دامت برکاته)

که نفع‌های از حیات طیبه ایشان

نور بصیرت به زندگانی ام بخشید.

آنچه امروزه به علم اقتصاد شناخته می‌شود ذاتاً قادر نیست اصول عدالت و ارزش‌های اخلاقی را مبنای دستگاه تحلیلی و الگوی سیاستگذاری‌های اقتصادی خود قرار دهد. علاوه بر این از تبیین پیامدهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی حاصل از سیاستگذاری‌های اقتصادی و مالی دولت و شرکت‌های بزرگ و مؤسسات پولی و مالی بخش‌های دولتی و خصوصی نیز عاجز است. از این‌رو اقتصاد متعارف را اقتصاد علم‌نما نامیده‌ایم که متأسفانه بر دانشکده‌های اقتصاد حاکم است.

مسعود درخشان

فهرست اجمالی

| | |
|--|-----|
| سخن ناشر..... | ۱۵ |
| پیشگفتار مترجم | ۱۷ |
| پیشگفتار | ۲۱ |
| فصل اول: مفاهیم پایه و موضوعات اصلی | ۲۵ |
| فصل دوم: واکنش اقتصاددانان کلاسیک به رویکرد ریاضی اولیه: نقدی بر دیدگاه‌های مطرح شده | ۴۹ |
| فصل سوم: رویکرد ریاضی و الراسی به اقتصاد: روش انتزاع نادرست و عکس‌العملی به اقتصاد مارکسیستی | ۷۵ |
| فصل چهارم: رویکرد ریاضی یکپارچه به اقتصاد: منشأ علم اقتصاد جدید یا اقتصاد علم‌نما..۱۰۷ | ۱۰۷ |
| فصل پنجم: مطالعه موردی در اقتصاد علم‌نما: کوشش‌های بی‌حاصل برای کنترل بهینه مدل‌های کلان‌سنجی | ۱۴۵ |
| پیوست الف: ابعاد ویژه‌ای از زندگانی صاحب‌نظران تأثیرگذار و شرح مختصری از برخی سازمان‌های مندرج در کتاب | ۱۹۱ |
| پیوست ب: چهار پرسش مترجم از استاد مسعود درخشان و پاسخ‌های ایشان | ۳۹۵ |
| منابع مندرج در بخش فارسی | ۴۴۷ |
| نمایه اشخاص | ۴۶۷ |
| نمایه موضوعی | ۴۷۵ |

فهرست تفصیلی

| | |
|--|-----------|
| سخن ناشر..... | ۱۵ |
| پیشگفتار مترجم..... | ۱۷ |
| پیشگفتار..... | ۲۱ |
| فصل اول: مفاهیم پایه و موضوعات اصلی..... | ۲۵ |
| ۱-۱ موضوع..... | ۲۵ |
| ۱-۲ منظور ما از رویکرد ریاضی به اقتصاد چیست؟..... | ۲۸ |
| ۱-۳ ساختار کتاب و نکات کلیدی..... | ۳۲ |
| ۱-۴ امکان‌سنجی رویکرد ریاضی به اقتصاد مارکس..... | ۳۹ |
| الف- رویکرد ریاضی به اقتصاد در شوروی سابق..... | ۴۰ |
| ب- اقتصاددانان بورژوا و اقتصاد مارکسیستی..... | ۴۱ |
| ۱-۵ ارتباط این کتاب با اقتصاد اسلامی..... | ۴۵ |
| فصل دوم: واکنش اقتصاددانان کلاسیک به رویکرد ریاضی اولیه: نقدی بر دیدگاه‌های مطرح شده..... | ۴۹ |
| ۲-۱ مقدمه..... | ۴۹ |
| ۲-۲ منشأ رویکرد ریاضی به اقتصاد..... | ۵۳ |
| ۲-۳ دیدگاه دبرو: پیدایش تصادفی رویکرد ریاضی به اقتصاد..... | ۵۶ |
| ۲-۴ دیدگاه کورنو: بیان نادرست و ضعف دانش ریاضی..... | ۶۱ |
| ۲-۵ دیدگاه والراس: تحجر فکری..... | ۶۵ |
| ۲-۶ دیدگاه فون نویمان و مورگنشرن: مقتضیات نامساعد..... | ۶۹ |
| الف- ابهام در مفاهیم پایه‌ای اقتصاد..... | ۶۹ |
| ب- محدودیت‌های رویکرد ریاضی به رفتار انسانی..... | ۷۰ |
| ۲-۷ جمع‌بندی و نکات پایانی..... | ۷۲ |

فصل سوم: رویکرد ریاضی والراسی به اقتصاد: روش انتزاع نادرست و

عکس‌العملی به اقتصاد مارکسیستی ۷۵

- ۳-۱ مقدمه ۷۵
- ۳-۲ انگیزهٔ جونس و والراس از تأسیس اقتصاد علمی چه بود؟ ۷۷
- الف - آشفتگی در تحلیل‌های اقتصادی ۷۸
- ب - ضرورت منزوی کردن علم اقتصاد واقعی از علوم اجتماعی یکپارچه ۷۹
- ج - ضرورت کشف قوانین عمومی اقتصاد مشابه قوانین علوم فیزیکی ۸۰
- ۳-۳ رویکرد ریاضی والراسی به اقتصاد و شکل‌گیری علم اقتصاد مکانیکی یا اقتصاد محض ۸۱
- ۳-۴ چرا رویکرد زیربخش‌سازی؟ ۸۶
- ۳-۵ روش انتزاع نادرست ۸۹
- ۳-۶ تأثیر اقتصاد مارکسیستی بر شکل‌گیری رویکرد ریاضی والراسی ۹۳
- ۳-۷ جمع‌بندی و ملاحظات پایانی ۱۰۳

فصل چهارم: رویکرد ریاضی یکپارچه به اقتصاد: منشأ علم اقتصاد جدید یا

اقتصاد علم‌نما ۱۰۷

- ۴-۱ مقدمه ۱۰۷
- ۴-۲ رویکرد ریاضی به اقتصاد در خلال چهار سال بعد از مارشال ۱۰۸
- ۴-۳ نقدی بر دیدگاه دبرو در باب شکل‌گیری اقتصاد جدید ۱۱۳
- ۴-۴ رویکرد ریاضی یکپارچه به اقتصاد: سرآغاز علم اقتصاد جدید ۱۱۶
- ۴-۵ فقدان نهادهای حمایت‌کننده برای هماهنگ‌سازی تحقیقات در رویکرد ریاضی والراسی به اقتصاد ۱۱۶
- ۴-۶ نقش نهادهای حمایت‌کننده در هماهنگی برنامه‌های پژوهشی ۱۱۸
- الف - انجمن اقتصادسنجی ۱۱۸
- ب - کمیسیون کالز برای پژوهش در اقتصاد ۱۲۲
- ۴-۷ نقش بنیاد نوبل و مؤسسات نوبل در شکل‌گیری اقتصاد جدید ۱۲۵
- ۴-۸ ویژگی ابزاری ریاضیات در کشف حقایق اقتصادی در اقتصاد جدید ۱۳۳
- ۴-۹ شرایط لازم برای توفیق نسبی در کاربرد ریاضیات در اقتصاد جدید ۱۳۵
- ۴-۱۰ چرخهٔ مولد رشد در اقتصاد جدید ۱۳۸
- ۴-۱۱ جمع‌بندی و نکات پایانی ۱۴۰

فصل پنجم: مطالعه موردی در اقتصاد علم‌نما: کوشش‌های بی‌حاصل برای

کنترل بهینه مدل‌های کلان‌سنجی ۱۴۵

۱-۵- مقدمه ۱۴۵

۲-۵- نخستین همکاری مهندسان کنترل با اقتصاددانان: کاربرد نظریه کنترل کلاسیک در

سیاست‌های تثبیت اقتصادی ۱۴۸

۳-۵- منشأ کاربرد نظریه کنترل بهینه در اقتصاد ۱۵۴

۴-۵- اهمیت مفهومی برنامه‌ریزی پویا برای کاربردهای اقتصادی و تنگناهای محاسباتی مرتبط ۱۵۷

۵-۵- مقتضیات مساعد در دهه ۱۹۶۰ برای به‌کارگیری اصل حداکثر پونتریاگین در مدل‌های

رشد اقتصادی ۱۶۲

۶-۵- پیشینه تاریخی مشارکت مهندسان کنترل و متخصصان اقتصادسنجی در محاسبه

مسیرهای بهینه برای متغیرهای اقتصادی حالت و کنترل ۱۶۶

۷-۵- تقلیل سیستم‌های پیچیده اقتصادی به مسئله [سیستم] خطی [با تابع کارنمود] درجه دو

(LQP) در نظریه کنترل بهینه ۱۷۰

۸-۵- محاسبه مسیرهای بهینه برای متغیرهای سیاستی اقتصادی با استفاده از کنترل بهینه

تصادفی ۱۷۴

۹-۵- محاسبه مسیرهای بهینه برای متغیرهای سیاستی اقتصادی با استفاده از کنترل بهینه تطبیقی ۱۷۷

۱۰-۵- نقش انجمن‌ها و سازمان‌های مهندسی و اقتصادی در تقویت مشارکت مهندسان کنترل

با اقتصاددانان ۱۷۹

۱۱-۵- کاوشی در علل شکست کاربرد کنترل بهینه مهندسی در بهینه‌سازی سیاست‌های

اقتصادی ۱۸۳

۱۲-۵- جمع‌بندی و نکات پایانی ۱۸۷

پیوست الف: ابعاد ویژه‌ای از زندگانی صاحب‌نظران تأثیرگذار و شرح

مختصری از برخی سازمان‌های مندرج در کتاب ۱۹۱

۱- اسمیت ۱۹۱

۲- اونس ۲۰۲

۳- بالی ۲۰۳

۴- پارتو ۲۰۴

۵- پانتالیونی ۲۰۷

- ۶- جونس ۲۱۰
- ۷- حلقهٔ محرمانهٔ «جمع‌مه و استخوان» در دانشگاه ییل ۲۱۳
- ۸- دِبرو ۲۱۵
- ۹- رمزی ۲۱۷
- ۱۰- ریکاردو ۲۲۴
- ۱۱- زاده ۲۲۷
- ۱۲- شومپتر ۲۲۹
- ۱۳- فریش ۲۳۳
- ۱۴- فون نویمن ۲۳۵
- ۱۵- فیشر ۲۴۰
- ۱۶- کالز ۲۴۴
- ۱۷- کانارد ۲۴۵
- ۱۸- کاندلک ۲۴۷
- ۱۹- کِرنس ۲۵۰
- ۲۰- کمپانی هند شرقی: تربیت استعمارگران - فارسی زدایی از شبه قاره هند - راهبرد مک کولیسم ۲۵۲
- ۲۱- کورنو ۲۷۷
- ۲۲- کینز ۲۸۸
- ۲۳- گالیانی ۲۹۳
- ۲۴- مارشال ۲۹۵
- ۲۵- مارکس ۳۰۴
- ۲۶- مارکسیسم و نقد آن از دیدگاه استاد درخشان ۳۱۳
- ۲۷- میل (جان استوارت) ۳۶۰
- ۲۸- میل (جیمز) ۳۶۶
- ۲۹- والراس ۳۶۹
- ۳۰- ویکسِل ۳۷۶
- ۳۱- ویول ۳۸۹

| | |
|--|--|
| پیوست ب: چهار پرسش مترجم از استاد درخشان و پاسخ‌های ایشان ۳۹۵ | |
| پرسش اول- چرا در تحلیل‌های خود از اصطلاحات مارژینالیسم و اقتصاد نئو کلاسیک استفاده نکرده‌اید؟..... ۳۹۵ | |
| پاسخ استاد درخشان ۳۹۷ | |
| پرسش دوم- چرا جنابعالی از کارل منگر که از پایه‌گذاران رویکرد غیر کلاسیکی به اقتصاد بود نام نبرده و جایگاه او را در کنار جونس و والراس بررسی نکرده‌اید؟ ۴۱۱ | |
| پاسخ استاد درخشان ۴۱۲ | |
| پرسش سوم- چرا جنابعالی اقتصاددانان بزرگ کلاسیک را به سبب نداشتن رویکرد ریاضی به اقتصاد ستوده‌اید و حال آنکه ایشان قبل از کورنو و جونس و والراس فوت کرده بودند و منطقاً با رویکرد ریاضی به اقتصاد آشنایی نداشتند؟ ۴۲۳ | |
| پاسخ استاد درخشان ۴۲۵ | |
| پرسش چهارم- چرا جنابعالی به عکس دیدگاه جامعه اقتصاددانان معاصر کتاب کورنو (۱۸۳۸) را سرآغاز رویکرد ریاضی به اقتصاد و منشأ علم اقتصاد نمی‌دانید؟ ۴۴۰ | |
| پاسخ استاد درخشان ۴۴۱ | |
| منابع مندرج در بخش فارسی ۴۴۷ | |
| نمایه اشخاص ۴۶۷ | |
| نمایه موضوعی ۴۷۵ | |

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آن هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی — پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی

در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (ع)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاء‌الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار مترجم

هنگامی که دانشجوی دوره کارشناسی اقتصاد در دانشگاه علامه طباطبائی بودم این توفیق حاصل شد که دانشجوی استاد درخشان در درس نظام‌های اقتصادی باشم و از همان زمان به چنین مباحثی علاقه‌مند شدم. چون به ادبیات فارسی و ویراستاری دلبستگی داشتم استاد لطف کرده ویرایش ادبی یکی از مجلات علمی-ترویجی را به اینجانب محول کردند. به‌مرور زمان این فرصت به من داده شد که ویرایش کتابی از ایشان و نیز ویرایش ادبی و علمی چند نشست دانشگاهی را عهده‌دار شوم. همواره مشتاق بودم به سطحی از آئین نگارش دست یابم که بتوانم به شیوه استاد بنویسم و یا آنکه اگر متنی را ویرایش کردم استاد آن را بپذیرند. به‌زودی این ویژگی استاد بر من معلوم شد که اگر متنی را ملاحظه کنند که قبلاً بارها و بارها شخصاً ویرایش و تجدید نظر کرده باشند آن‌گاه تجدید نظر مجدد قطعی است.

چند سالی از عضویت اینجانب در هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی نگذشته بود که استاد درخشان مجموعه‌ای از مکتوبات خویش به زبان انگلیسی در باب منشأ و ماهیت علم اقتصاد را به همراه ترجمه فارسی بخشی از آن به اینجانب دادند و پیشنهاد کردند که متن فارسی را ویرایش کرده و مابقی متن انگلیسی را به فارسی ترجمه کنم. مدت زمانی طول کشید که کار ترجمه به پایان رسید زیرا بسیاری از نقل قول‌های مندرج در آن مکتوبات از اقتصاددانان و فلاسفه قرن نوزدهم بود که بعضاً واژه‌هایی به کار می‌بردند که امروزه در ادبیات انگلیسی چندان رایج نیست. از آن زمان بیش از شش سال می‌گذرد. استاد در خلال این مدت متن انگلیسی را بارها و بارها تجدید نظر و جرح و تعدیل کردند و اینجانب هر بار ترجمه

فارسی مطالب را متناسباً تغییر داده و اصلاح می‌کردم.

ترجمه و ویرایش مکتوبات استاد به پایان رسیده بود که ایشان پیشنهاد کردند برای معرفی هر صاحب‌نظر و سازمان و نهادی که نامش در این کتاب ذکر شده است مدخلی تهیه شود و در متن فارسی قرار بگیرد. خوشبختانه این کار نیز بر طبق الگوی ایشان به پایان رسید هرچند که جایگاه بار تجدید نظر شد. شرح حال اندیشمندان و سازمان‌ها و انجمن‌هایی که از اهمیت و جایگاه مهمتری در سیر مباحث این کتاب برخوردار بودند در پیوست (الف) و سایر صاحب‌نظران و دیگر سازمان‌ها در پاورقی‌ها ذکر شد. در گزینش مداخل مندرج در پیوست (الف) با استاد مشورت می‌کردم اما نظرات و ترجیحات شخصی اینجانب قطعاً بی‌تأثیر نبوده است.

دیدگاه‌های استاد درخشان در این کتاب کاملاً انقلابی است و شاید برای نخستین بار شاهدیم که یکی از اقتصاددانان کشور دیدگاه‌های برخی برندگان جایزه نوبل اقتصاد و بعضی دیگر از اقتصاددانان بزرگ غرب در باب ماهیت و پیدایش علم اقتصاد جدید را به سختی نقد کرده‌اند و در موارد متعددی نظرات آنان را مردود دانسته‌اند. اصطلاح «اقتصاد علم‌نما» و اطلاق آن به مجموعه معارف علم اقتصاد جدید از ابداعات استاد است که برای نخستین بار در این کتاب مطرح شده است.

چون در کلاس‌های درس استاد نقد و مباحثه را آموخته‌ام اشکالاتی بر برخی دیدگاه‌های ایشان وارد کردم. استاد نکات مطرح شده را پسندیدند و به آنها پاسخ دادند و توصیه کردند که آن نکات به همراه پاسخ‌ها در پیوست دیگری مکتوب شود تا خوانندگان عزیز بهره‌مند شوند. بعد از پیاده کردن و ویرایش پاسخ‌های صوتی استاد و چندین نوبت تجدید نظر نهایتاً پرسش‌ها و پاسخ‌ها در پیوست (ب) قرار گرفت. در پایان به ذکر چند نکته اکتفا می‌کنم.

۱- در پاورقی صفحات ترجمه فارسی هر جا شخصاً مطلبی افزوده‌ام آن را با درج واژه «مترجم» در انتهای آن مطلب مشخص کرده‌ام.

۲- معادل انگلیسی نام اقتصاددانان و عنوان کتاب‌ها و نظایر آن نه تنها در پاورقی صفحات ذی‌ربط درج شده بلکه به توصیه استاد و حسب ضرورت در پاورقی فصل‌های دیگر نیز تکرار شده است. کثرت ارجاعات به افراد و عناوین کتاب‌ها چنین تکرارهایی را ضروری می‌نمود تا جنبه آموزشی این کتاب تقویت شود.

۳- بعد از آنکه ترجمه کتاب و تهیه پاورقی‌ها و پیوست‌ها تکمیل شد استاد درخشان پیشنهاد کردند که علامت ویرگول (،) در تمام صفحات متن فارسی حذف شود. ایشان بر این عقیده‌اند که ویرگول یا «کاما» در ادبیات اصیل فارسی و در مکتوبات به جای مانده از بزرگان علم و ادب ایرانی مطلقاً وجود ندارد و استفاده از این نشانه گذاری در نگارش فارسی صرفاً ثمره تقلید نسنجیده از ادبیات خارجی است که متأسفانه مترجمان عزیز ناآگاهانه آن را به دستور خط فارسی وارد کرده‌اند. استاد درخشان بر این نکته تأکید دارند که زبان اصیل فارسی به عکس زبان‌های رایج در مغرب زمین به قدری پیشرفته و هوشمند است که اگر به درستی نوشته شود آن‌گاه به «نشانه گذاری» نیازی ندارد ضمن آنکه متنی به مراتب روان‌تر و شیواتر خواهیم داشت. ناگفته نماند که حدود دو سال است که استاد در مکتوبات فارسی خویش از نشانه ویرگول استفاده نکرده‌اند. کوشیدم که متن ترجمه شده کتاب و پاورقی‌ها و پیوست‌ها را بار دیگر ویرایش کرده و جمله‌بندی‌ها را چنان اصلاح کنم که در نگارش و قرائت نیازی به ویرگول نباشد. بدین ترتیب متنی روان‌تر و شیواتر حاصل شد.

امیدوارم ترجمه این کتاب به همراه پاورقی‌ها و پیوست‌هایی که بدان افزوده‌ام مقبول دانشجویان عزیز و صاحب‌نظران و استادان محترم باشد و هر جا کاستی و لغزشی ملاحظه کردند لطفاً به اینجانب اطلاع‌رسانی بفرمایند. انگیزه‌ام در ترجمه و نگارش تعلیقات صرفاً این بود که در این رهگذر از استاد بیاموزم.

خداوند رحمان را شکر گزارم که توفیق بهره‌مندی از دانش گسترده استاد را عطا فرمود. از ایشان در علم و اخلاق درس‌ها آموخته‌ام. توصیه‌های ارزشمندشان در ترجمه متن و نگارش پاورقی‌ها و پیوست‌ها راهگشای مسیرم بود. سلامت و عافیت استاد درخشان را از درگاه یکتای بی‌همتا مسئلت دارم.

عاطفه تکلیف

دانشیار اقتصاد- دانشگاه علامه طباطبائی

تیر ۱۴۰۱

پیشگفتار

موضوع این کتاب بررسی نقادانه‌ای از منشأ علم اقتصاد جدید است. در این بررسی رویکرد تاریخی را اتخاذ کرده‌ایم. اکثریت اقتصاددانان معاصر بر این عقیده‌اند که اقتصاد جدید ساحتی علمی است بدین دلیل که روش تحلیلی به کار رفته در آن به واقع ریاضی است. از این رو به منشأ و ماهیت رویکرد ریاضی به اقتصاد پرداخته‌ایم زیرا که از اهمیت نظری بسیار بالایی برخوردار است. این رویکرد مبتنی بر مفاهیم و روابط اقتصادی انتزاعی است که فقط برای به کارگیری ریاضیات مناسب‌اند. ما بر این عقیده‌ایم که رویکرد ریاضی موجب شده است که ظرفیت علم اقتصاد در توضیح و رویارویی با مسائل اقتصادی در دنیای واقعی محدود شود در حالی که این مسائل برای سیاستگذاران اقتصادی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

نشان داده‌ایم آنچه از رویکرد ریاضی به اقتصاد حاصل شده است چیزی جز «اقتصاد علم‌نما»^۱ نیست که امروزه به علم اقتصاد جدید معروف است. اقتصاد علم‌نما فریب بزرگی^۲ است زیرا که در پشت نقاب زیبای «اقتصاد علمی» که ادعا می‌شود مستقل از ارزش‌هاست چهره زشت سرمایه‌داری را پنهان می‌کند. اقتصاددانان سرمایه‌داری معاصر چنین می‌پندارند که اقتصاد علم است زیرا که ماهیت ریاضی دارد. چنین باوری وجود رابطه متقابل بین اقتصاد و نظام ارزش‌های اخلاقی را نفی می‌کند در حالی که چنین رابطه‌ای در واقعیت وجود دارد.

اقتصاد اسلامی بر ارزش‌های الهی برای فرد و جامعه مبتنی است و لذا اقتصاد علم‌نما موانع بزرگی در مسیر کشف این نظام ایجاد کرده است. در این کتاب توضیح داده‌ایم که علم

۱- Pseudo-science of Economics - اقتصاد علم‌نما - واژه Pseudo به معنای نادرست (False) و غیرواقعی (Pretended) است و لذا این اصطلاح را می‌توان «علم اقتصاد نادرست» یا «علم اقتصاد غیرواقعی» ترجمه کرد. در اینجا ترجیح داده‌ایم آن را به «اقتصاد علم‌نما» ترجمه کنیم همچنان که ترجمه Pseudo-intellectual به «روشنفکر‌نما» رایج شده است. [مترجم]

اقتصاد متعارف موجب شده است که توانمندی و گسترهٔ درک ما از رویکرد ارزش‌بنیان به تحلیل‌های اقتصادی محدود شود. نخستین گام اساسی در ساختن چارچوبی مستحکم برای فرایندهای نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری در اقتصاد اسلامی توجه به همین حقیقت است.

این کتاب را در درجهٔ اول برای دانش‌پژوهانی نگاشته‌ایم که قصد دارند پژوهش در اقتصاد اسلامی را ارتقاء بخشند. هدف رویکرد اسلامی به علوم انسانی این است که ابعاد مختلف حیات بشری را که مشتمل بر امور اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است در چارچوب منسجمی که مبتنی بر نظام ارزش‌های اسلامی باشد یکپارچه کند. این نکته به لحاظ نظری همواره مبنای رویکرد ما به طراحی سیاست‌های بهینهٔ اقتصادی در قلمرو اقتصاد اسلامی بوده است. بر این عقیده‌ایم که معیار بهینگی در بهینه‌سازی سیاست‌های اقتصاد اسلامی به‌ویژه در سطح کلان سازگاری متقابل این سیاست‌ها با سیاست‌های بهینه‌ای است که در حوزه‌های غیراقتصادی به‌دست می‌آید.

با الهام از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بر آن شدیم که مبنای سیاست‌های بهینهٔ اقتصادی در سیستم اقتصاد اسلامی را کشف کنیم. به زودی متوجه شدیم که مسیر سنگلاخی پیش روی داریم اگرچه تنها مسیری بود که باید آن را طی می‌کردیم. توده‌های مردم ایران با قیام انقلابی موفق شدند نظام پادشاهی در ایران را که با سرمایه‌داری غرب تخذیر شده بود واژگون کنند. تعجب در این است که از آن زمان به بعد اقتصاد ایران به صورت فزاینده‌ای در حال غرق‌شدن در نظام سرمایه‌داری است. مطالعات ما این حقیقت را آشکار کرد که وقوع چنین پدیدهٔ غیرمنتظره‌ای عمدتاً ناشی از اعتقاد راسخ اکثر اقتصاددانان کشور به ماهیت علمی اقتصاد معاصر بوده است.

کوشش پژوهشگران اسلامی برای ثمربخشی اقتصاد اسلامی متأسفانه موفق نبوده است زیرا که اقتصاد اسلامی ارزش‌محور با علم اقتصادی که ادعا می‌شود ارزش‌محور نیست ناسازگاری ذاتی دارد. نتیجه آنکه عمدهٔ نظریه‌پردازی‌ها و فرمول‌بندی سیاست‌های اقتصاد اسلامی فراتر از این نرفته است که مفاهیم و نظریات و سیاست‌های اقتصاد سرمایه‌داری را با رنگ و لعاب اسلامی به نمایش بگذارد. بحث پیش‌گفته منطقاً ما را به سمتی هدایت کرد که ماهیت علمی اقتصاد جدید را همچون پیش‌نیازی برای کشف اقتصاد اسلامی غیرسرمایه‌داری بررسی کنیم.

فصل‌های دوم تا پنجم مبتنی بر چهار مقالهٔ اینجانب است که قبلاً به زبان انگلیسی منتشر شده بود^۱ و در این کتاب به صورت گسترده‌ای تجدید نظر شده و به لحاظ ساختاری تغییر کرده است. از سرکار خانم دکتر عاطفه تکلیف دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی صمیمانه سپاسگزارم که لطف کرده و مکتوبات اینجانب را به فارسی ترجمه کردند. باورقی‌های متعدد و دو پیوست طولانی که ایشان به متن فارسی افزوده‌اند تبیین و درک مطالب را به نحو قابل ملاحظه‌ای تسهیل کرده است. امیدواریم در چاپ‌های آتی این کتاب ترجمهٔ انگلیسی این اضافات را شاهد باشیم.

مسعود درخشان

استاد اقتصاد و چهرهٔ ماندگار دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

تیر ۱۴۰۱

1. Derakhshan (2014a, 2014b, 2015, 2017)

فصل اول

مفاهیم پایه و موضوعات اصلی

۱-۱ موضوع

هدف این است که نشان دهیم آنچه امروزه تحت عنوان «علم اقتصاد» شناخته می‌شود در واقع «اقتصاد علم‌نما»^۱ است که بیان مخدوشی از ساحت اقتصاد در واقعیت است. از این رو «فریب

۱- Pseudo-science of Economics - اقتصاد علم‌نما - سیودو ساینس را می‌توان به «شبه علم» ترجمه کرد. در اینجا ترجیح داده‌ایم آن را به «علم‌نما» به معنای «به‌ظاهر علمی» ترجمه کنیم که ترکیب رایجی در ادبیات فارسی است مانند روشنفکر نما (Pseudo-intellectual) به معنای کسی که به‌ظاهر روشنفکر است. از دیدگاه استاد درخشان وظیفه علم اقتصاد واقعی این است که حقیقت پدیده‌ها و روابط اقتصادی در جهان واقعی را بر ما چنان معلوم کند که بتوانیم آن را مدیریت کرده و در مسیری هدایت کنیم که به لحاظ مبانی ارزشی برای ما مطلوب باشد.

«اقتصاد علم‌نما» که همان «علم اقتصاد متعارف» است رابطه خود را با آموزه‌های ماتریالیستی که مبنای نظام سرمایه‌داری است پنهان کرده و چنین ادعا می‌کند که مبنای ارزشی ندارد و مجموعه‌ای از معارف صرفاً «علمی» است زیرا که ماهیتاً ریاضی است. از این رو اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری آگاهانه یا ناآگاهانه خود را دانشمندان علم اقتصاد می‌دانند و از هرگونه نظام ارزشی میری می‌پندارند. این اقتصاددانان نخست تصویری ذهنی از پدیده یا رابطه‌ای در جهان واقعی اقتصاد را منطبق با مبانی ارزشی مکتب سرمایه‌داری که همان اصالت سرمایه در نگرش ماتریالیسم است ترسیم می‌کنند و سپس آن تصویر را چنان تعبیر می‌کنند که سیاست‌های اقتصادی حاصل از آن با مبانی سرمایه‌داری سازگار شود. این حقیقت را می‌توان در علم اقتصاد جدید به سهولت ملاحظه کرد.

استاد درخشان معتقدند که چنین نگرشی ضرورتاً اقتضاء می‌کند که علم اقتصاد رایج به چارچوبی مکانیکی از رفتارهای فردی در حوزه‌های تولید و توزیع و مصرف تقلیل یابد و لذا چیزی بیش از اقتصاد علم‌نما نیست که از علم اقتصاد به معنای واقعی کلمه بی‌بهره است.

برداشت مترجم از نظر استاد درخشان این است که فقط اقتصاد اسلامی آن هم به شرط اتخاذ روش سیستمی یا روش کل‌نگرانه (Systemic or Hollistic Approach) در تحلیل قضایا و پدیده‌های اقتصادی شایسته عنوان علم اقتصاد است به شرطی که اولاً بر مبانی ارزش‌ها و معارف اسلامی استوار باشد و ثانیاً در چارچوب تعادل عمومی با

بزرگ» را برای عنوان اصلی این کتاب انتخاب کرده‌ایم. سرآغاز استدلال ما برای اثبات این ادعا تشخیص این نکته است که اقتصاد جدید را با رویکرد ریاضی‌اش به تحلیل‌های اقتصادی و نیز استقلال‌اش از ارزش‌های اخلاقی در نظریه‌پردازی و سیاستگذاری اقتصادی می‌شناسند. غیر اخلاقی بودن علم اقتصاد جدید نتیجه مستقیم رویکرد ریاضی این علم به تحلیل‌های اقتصادی در جهان واقعی است. این امر را می‌توان به بهترین وجه با بررسی منشأ و ماهیت رویکرد ریاضی به اقتصاد و محدودیت‌های آن توضیح داد. در این کتاب تأثیر ریاضیات را بر اقتصاد در چارچوبی تاریخی تجزیه و تحلیل کرده‌ایم.

کاربرد روش‌های ریاضی در نظریه‌پردازی و طراحی سیاستگذاری‌های اقتصادی همواره موضوع بحث‌انگیزی بوده است. چهار سؤال به شرح ذیل هسته مرکزی بحث را تشکیل می‌دهد.

الف - آیا به کارگیری ریاضیات در تحلیل‌های اقتصادی می‌تواند اقتصاد را به مثابه شاخه‌ای از علوم فیزیکی^۱ همچون فیزیک و مکانیک رتبه‌بندی کند؟

سیستم‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته باشد. نظریه استاد درخشان تحت عنوان «تعادل عمومی در اقتصاد اسلامی» تاکنون رسماً منتشر نشده است اما استاد در سخنرانی خود در مراسم دریافت جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی مورخ ۱۲ آبان ۱۳۹۴ اشاراتی به آن داشته‌اند. [مترجم]

۱- Physical Sciences - این اصطلاح را بعضاً به علوم طبیعی ترجمه کرده‌اند اما به دلایل ذیل ترجیح داده‌ایم آن را به علوم فیزیکی ترجمه کنیم. معمولاً علوم طبیعی (Natural Sciences) را بر دو قسم می‌دانند: علوم فیزیکی (Physical Sciences) و علوم زیستی (Life Sciences or Biological Sciences). علوم فیزیکی مربوط به مطالعه جهان غیرجاندار یا غیرارگانیک (Non-living or Inorganic World) و علوم زیستی مربوط به مطالعه جهان جاندار یا ارگانیک (Living or Organic World) است. فیزیک - شیمی - نجوم - هواشناسی - زمین‌شناسی و مکانیک مثال‌هایی از علوم فیزیکی است و مطالعه علمی گیاهان - حیوانات - انسان - ارگانسیم‌ها و ریز توده‌ها (Micro-organisms) مثال‌هایی از علوم زیستی است.

علم مکانیک که زیرشاخه‌ای از علوم فیزیکی است موضوعاً مربوط به مطالعه نیرو (Force) و توده (Mass) و حرکت (Motion) است و با حرکت ماده و نیروهای جابه‌جاکننده آن سرو کار دارد. علم مکانیک تأثیر به‌سزایی در پیشبرد انقلاب علمی داشت زیرا که ریاضیات به کار رفته در علم مکانیک از جمله معادلات حرکت و مشتق و انتگرال و معادلات دیفرانسیل و جز اینها نه تنها از زیبایی خاصی برخوردار بود بلکه کاربردهای زیادی در این علم داشت. به کارگیری چنین روش‌های ریاضی در تبیین علمی حرکت ماه و زمین و سایر سیارات و قوه جاذبه و نظایر آن بسیار موفق بود و از این رو توانست نقش مهمی در تحول دیدگاه‌های فلسفی نیز ایفا کند زیرا موجب شد که آموزه‌های فلسفی در اروپا به‌طور بنیانی تغییر کند.

ب- چرا اقتصاددانان کلاسیک به رویکرد ریاضی‌الراسی^۱ به اقتصاد که در نیمه دوم قرن نوزدهم پدید آمد اساساً علاقه‌ای نشان ندادند؟

ج- پیشکسوتان رویکرد ریاضی‌الراسی به اقتصاد چه هدف پنهانی را از جداسازی مطالعات اقتصادی از ابعاد سیاسی و تاریخی و فلسفی آن تعقیب می‌کردند؟

د- چگونه رویکرد ریاضی به اقتصاد مفاهیم و ایده‌های بنیادین اقتصادی را به شدت تخریب کرد؟ بنیانگذاران رویکرد ریاضی به اقتصاد بر این عقیده بودند که علم اقتصاد عمدتاً همان اقتصاد ریاضی است. این امر دلالت بر این داشت که اقتصاد به شرطی می‌تواند به مثابه علمی در ردیف علوم فیزیکی قرار بگیرد که روش به کار رفته در آن ریاضی باشد. این رویکرد در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت و در اواسط قرن بیستم در جامعه اقتصاددانان سرمایه‌داری رواج کامل یافت و امروزه دانش‌پژوهان اقتصادی آن را به مثابه یک اصل موضوعه پذیرفته‌اند. در این کتاب چنین اعتقاد راسخ به ریاضی‌نمایی اقتصاد^۲ را زیر سؤال برده و سعی می‌کنیم منشأ و کاستی‌های آن را نشان دهیم.

حامیان نگرش ریاضی به اقتصاد عموماً چنین ادعا می‌کنند که کاربرد ریاضیات در تحلیل‌های اقتصادی می‌تواند به چنان نتایج ارزشمندی برسد که بدون به‌کارگیری ریاضیات نمی‌توانست حاصل شود. به خلاف ادعای این اقتصاددانان بحث ما در این کتاب نشان می‌دهد که به جز برخی موارد که معمولاً قیدهای محدودکننده جدی نیز به‌همراه دارد به‌کارگیری روش‌های ریاضی نمی‌تواند نتایج اقتصادی ارزشمندی را تولید کند. در بیشتر موارد نتایجی که

استاد درخشان در فصل سوم این کتاب بیان کرده‌اند که ریاضیات به کار رفته در علم مکانیک (از جمله حساب دیفرانسیل و انتگرال) به‌همراه برخی نظریات اساسی در این علم به‌ویژه مفهوم تعادل (Equilibrium) و همچنین تأثیر این علم بر فرآیند رشد صنعت و وقوع انقلاب صنعتی سهم به‌سزایی در شکل‌گیری رویکرد ریاضی‌الراسی در اقتصاد (Walrasian Mathematical Approach to Economics) داشت. خاطر نشان می‌شود آنچه گفته شد مربوط به علم مکانیک کلاسیک (Classic Mechanics) است. مکانیک کوانتوم (Quantum Mechanics) شاخه جدیدی از علم مکانیک است که به بررسی رفتار ماده و نور در مقیاس اتم و کمتر از آن می‌پردازد. بنا بر آنچه گذشت بهتر دیدیم در این کتاب اصطلاح Physical Sciences را به علوم فیزیکی ترجمه کنیم. [مترجم]

۱- Walrasian Mathematical Approach to Economics - رویکرد ریاضی‌الراسی به اقتصاد اصطلاحی است

که برای نخستین بار استاد درخشان مطرح کرده‌اند و موضوع فصل سوم است. [مترجم]

[از ریاضی‌نمایی اقتصاد] حاصل می‌شود صرفاً ارزش نظری محض داشته و در سیاست‌گذاری‌های بهینه اقتصادی به ویژه در سطوح کلان از جایگاه عملی ناچیزی برخوردار است.

۲-۱ منظور ما از رویکرد ریاضی به اقتصاد چیست؟

رویکرد ریاضی به اقتصاد را به ریاضی‌نمایی مفاهیم و روابط اقتصادی و همچنین کاربرد روش‌های ریاضی در تحلیل‌های اقتصادی تعریف می‌کنیم. به منظور بررسی منشأ و ماهیت رویکرد ریاضی به اقتصاد بهتر است آن را به سه بخش عمده به شرح ذیل دسته‌بندی کنیم: الف- کارهای اولیه در ریاضی‌نمایی برخی موضوعات اقتصادی به دست کسانی که اساساً ریاضی‌دان بودند و دانش اندکی در باب اقتصاد داشتند. ب- رویکرد ریاضی‌الراسی به اقتصاد. ج- رویکرد ریاضی یکپارچه^۱ به نظریه‌پردازی و تحلیل‌های سیاست‌گذاری اقتصادی.

الف- مجموعه کارهای پژوهشی انجام شده در بازه زمانی [انتشار] کتاب سیوا^۲ (۱۷۱۱) ریاضی‌دان و مهندس ایتالیایی تا [انتشار] کتاب کورنو^۳ (۱۸۳۸) ریاضی‌دان و اقتصاددان فرانسوی را کارهای اولیه در ریاضی‌نمایی اقتصاد نامیده‌ایم. نشان داده‌ایم که مجموعه این متون^۴ نتوانست مکتب فکری جدیدی در تحلیل‌های اقتصادی تأسیس کند. هدف کارهای

۱- Unified Mathematical Approach to Economics - رویکرد ریاضی یکپارچه به اقتصاد اصطلاحی است که استاد درخشان مطرح کرده‌اند و در فصل چهارم به تفصیل بررسی شده است. [مترجم]

۲- Giovanni Ceva (1647-1734) - تلفظ این نام در زبان ایتالیایی «جوانی چوا» و در زبان انگلیسی «جوانی سیوا» و یا «جوانی شیوا» می‌باشد. در اینجا همچون سایر موارد از تلفظ انگلیسی استفاده کرده‌ایم. [مترجم]

۳- Antonie Augustin Cournot (1801-1877) - آنتوان آگوستین کورنو (به تلفظ فرانسه) و کورنو یا کورنو (به تلفظ انگلیسی) فیلسوف و ریاضی‌دان و اقتصاددان فرانسوی است که در ۷۶ سالگی و هنگامی که تقریباً نابینا شده بود فوت کرد. اکثر اقتصاددانان کورنو را پایه‌گذار اقتصاد ریاضی می‌دانند هرچند که استاد درخشان در فصل‌های دوم و سوم نظر متفاوتی را مطرح کرده‌اند. کتاب کورنو در سال ۱۸۳۸ تحت عنوان تحقیقاتی در باب اصول ریاضی نظریه ثروت (*Researches on Mathematical Principles of the Theory of Wealth*) منتشر شد و به نظر می‌رسد به تقلید از کتاب اسمیت نامگذاری شد زیرا که اسمیت کتاب خود را ۶۲ سال قبل از کتاب کورنو تحت عنوان تحقیقی در باب ماهیت و علل ثروت ملل (*An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*) منتشر کرد. به مدخل کورنو در پیوست الف مراجعه شود. [مترجم]

۴- Literature - واژه Literature در زبان انگلیسی حداقل در دو معنی به شرح ذیل به کار می‌رود:

اولیه این بود که برخی مفاهیم و نظریات پایه را از اقتصاد سیاسی به عاریت بگیرند و به زبان نمادها و روابط ریاضی بیان کنند. تصدیق می‌کنیم که کار قابل تحسین کورنو (۱۸۳۸) در جایگاه خاص خودش قرار دارد و شایسته توجه ویژه است. به هر صورت کار کورنو (۱۸۳۸) نیز نتوانست دیدگاه جدیدی در ریاضی‌نمایی اقتصاد ایجاد کند.

ب- منظور ما از رویکرد ریاضی‌الراسی به اقتصاد متونی است که عمدتاً از دستاوردهای جونس^۱ (۱۸۷۱) و والراس (۱۸۷۴) نشئت گرفت و به دست پیروانشان توسعه

الف- واژه Literature به متون یا مکتوبات یا نوشته‌هایی اطلاق می‌شود که جنبه ادبی دارند مانند داستان‌ها و اشعار. برای نمونه French Literature به معنای ادبیات فرانسوی و Persian Literature به معنای ادبیات فارسی است. ب- واژه Literature به متونی اطلاق می‌شود که مرتبط با موضوع معینی است. برای نمونه Economic Literature به مجموعه کتاب‌ها و مقالات و رسالات و مکتوبات و در یک کلمه به متونی گفته می‌شود که در رشته اقتصاد تدوین شده است. بنابراین اگر Economic Literature را به ادبیات اقتصادی ترجمه کنیم آن‌گاه غلط فاحشی مرتکب شده‌ایم و لذا شایسته است به متون اقتصادی ترجمه شود. همین‌طور Scientific and Technical Literature به مجموعه کتاب‌ها و مقالات و رسالات و مکتوبات و در یک کلمه متونی گفته می‌شود که در رشته‌های علمی و فنی تدوین شده است. بنابراین اگر Scientific and Technical Literature را به ادبیات علمی و فنی ترجمه کنیم آن‌گاه غلط فاحشی مرتکب شده‌ایم و لذا شایسته است به متون علمی و فنی ترجمه شود.

بدیهی است در حالت (ب) منظور از واژه Literature قطعاً جنبه‌های ادبی اقتصادی یا جنبه‌های ادبی علمی و فناوری نیست. متأسفانه در متون اقتصادی که به زبان فارسی منتشر شده است واژه Literature را به غلط در معنای (الف) به کار برده‌اند و لذا Economic Literature را ناآگاهانه به «ادبیات اقتصادی» ترجمه شده است. خاطر نشان می‌کنیم که در زبان فارسی واژه «ادبیات» فقط و فقط به معنای علوم است که درباره مسائل «ادبی» یا «علم ادب» گفتگو می‌کند و علم ادب شامل رشته‌هایی چون صرف- نحو- لغت- معانی و بیان- بدیع- عروض- قافیه و جز اینهاست. خلاصه آنکه ما واژه «متون» را برای ترجمه Literature به کار برده‌ایم و لذا Economic Literature به متون اقتصادی ترجمه شده است. استاد درخشان واژه منشورات برای ترجمه Literature را پیشنهاد کردند. ما ترجیح دادیم از این واژه استفاده نکنیم زیرا که «منشور» در لغت فارسی به معنای اعلامیه و فرمان و نامه‌های سرگشاده است. [مترجم]

۱- William Stanley Jevons (1835-1882) - ویلیام استنلی جونس اقتصاددان انگلیسی - جونس در سال ۱۸۷۱ کتاب خود را تحت عنوان نظریه اقتصاد سیاسی (*The Theory of Political Economy*) منتشر کرد. خاطر نشان می‌شود که نامبرده در سال ۱۸۶۶ مقاله‌ای تحت عنوان «مروری کوتاه بر نظریه عمومی ریاضی اقتصاد سیاسی» به چاپ رساند که نخستین اثر او در رویکرد ریاضی به اقتصاد محسوب می‌شود. مشخصات این مقاله چنین است:

“Brief Account of a General Mathematical Theory of Political Economy”, *Journal of Statistical Society of London*, vol.XXIX, pp. 282-287

برای آشنایی با این اقتصاددان به مدخل جونس در پیوست الف مراجعه شود.

بیشتری یافت. جونس و والراس^۱ صراحتاً خود را مدیون کورنو می‌دانستند که کتابش در سال ۱۸۳۸ تحت عنوان *تحقیقاتی در باب اصول ریاضی نظریه ثروت*^۲ منتشر شد. شواهدی را آورده‌ایم که نشان می‌دهد کارهای جونس و والراس را نه می‌توان ادامه کار کورنو دانست و نه آنکه متأثر از کارهای اولیه در ریاضی‌نمایی اقتصاد تلقی کرد. فرضیه‌ای که ما مطرح کرده‌ایم این است که انگیزه جونس و والراس در تأسیس مکتب جدید اقتصادی که برآمده از ریاضیات باشد این بود که اقتصاد مارکس در تمامیت خود را به کناری بگذارند که موفق نیز شدند.

ج- رویکرد ریاضی یکپارچه به اقتصاد^۳ را که در اوائل دهه ۱۹۳۰ شکل گرفت به کارهای پژوهشی هماهنگ شده‌ای^۴ تعریف کرده‌ایم که هدف آنها یکپارچه‌سازی^۵ نظریه اقتصادی با روش‌های ریاضی و آماری در یک چارچوب تحلیلی واحد بود. ما بر این عقیده‌ایم که این رویکرد تولد نمادین علم اقتصاد معاصر را رقم زد. خاطر نشان می‌کنیم که اقتصادسنجی نتیجه بلافصل این یکپارچه‌سازی بود. نکته حائز اهمیت این است که این یکپارچه‌سازی چنان صورت گرفت که در هماهنگی کامل با دستاوردهای جونس و والراس باشد.

چارچوب اصلی تحلیل در علم اقتصاد جدید از زمانی که رویکرد یکپارچه‌سازی پیش گفته در اوائل دهه ۱۹۳۰ آغاز شد اساساً بدون تغییر باقی مانده است. با وجود این تصدیق می‌کنیم که ایده‌ها و مفاهیم و مباحث جدیدی که از حوزه‌های دیگر از جمله نظریه بازی^۶ -

۱- Leon Walras (1834-1910) - لئون والراس اقتصاددان فرانسوی - والراس در سال ۱۸۷۴ کتاب خود را تحت عنوان *اصول اقتصاد سیاسی محض یا نظریه اجتماعی ثروت* به زبان فرانسه منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۹۵۴ توسط ویلیام جافا (William Jaffe) به انگلیسی ترجمه و تحت عنوان *Elements of Pure Political Economy or the Theory of Social Wealth* منتشر شد. به مدخل والراس در پیوست الف مراجعه شود. [مترجم]

2. *Recherches sur les Principes Mathematiques de la Theorie des Richesses*

ناتانیل بیکن (Nathaniel T. Bacon) این کتاب را به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۸۹۷ با عنوان زیر منتشر کرد:

Researches into the Mathematical Principles of the Theory of Wealth

3. *Unified Matchmatical Approach to Economics*

4. *Coordinated Research Works*

5. *Unification*

6. *Game Theory*

نهادگرایی^۱ - منطق فازی^۲ - علوم شناختی^۳ و علوم رفتاری^۴ گرفته شد استدلال استنباطی در

۱- Institutionalism - نهادگرایی به فرآیند شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی برای تبیین رفتارهای اجتماعی می‌پردازد. در مکتب نهادی (Institutional School) هنوز تعریف واحدی از نهاد (Institution) وجود ندارد که اتفاق نظر در آن باشد. معمولاً نهاد را به آن دسته از ساختارهای اجتماعی تعبیر می‌کنند که تا حد زیادی قوام گرفته باشند. این ساختارها متشکل از عناصر فرهنگی و شناختی و ارشادی و تنظیم‌گری است که به زندگی اجتماعی معنا می‌دهند. اقتصاد نهادی (Institutional Economics) رشته‌ای است که به شناخت نقش فرآیندهای تحولی و نهادها در شکل دادن به رفتار اقتصادی می‌پردازد. در اقتصاد نهادی برخی اصول اقتصاد متعارف مانند ثبات ترجیحات و عقلانیت (Rationality) و تعادل نقض می‌شود و به جای آنها اصول جدیدی مانند تحول ترجیحات و عقلانیت محدود (Bounded Rationality) و آموختن (Learning) را قرار می‌دهند. رویکرد نهادی نخستین بار در نیمه اول قرن بیستم در آمریکا شکل گرفت و رونق یافت. استاد درخشان معتقدند که رویکرد مارکس در نیمه دوم قرن نوزدهم در تحلیل نظام سرمایه‌داری تا حد زیادی «نهادی» بود زیرا که مارکس نظام سرمایه‌داری را پدیده‌ای تاریخی می‌دانست که در حال تحول به نظام کمونیسم است. [مترجم]

۲- Fuzzy Logic - منطق فازی را می‌توان صورتی از منطق چند مقدار (Many-valued Logic) دانست که در آن مقادیر واقعی و حقیقی یا صحیح (True Values) متغیرها می‌تواند هر عدد حقیقی بین صفر و یک و شامل صفر و یک باشد. بدین ترتیب مقادیر صحیح می‌تواند هر عددی بین کاملاً صحیح و کاملاً غلط را اختیار کند. منطق فازی را نخستین بار ریاضی‌دان بزرگ ایرانی علی‌اصغر لطفعلی زاده (۱۹۲۱-۲۰۱۷) معروف به لطفی زاده (A. Lotfi Zadeh) در سال ۱۹۵۶ و در خلال تدوین نظریه مجموعه‌های فازی (Fuzzy Set Theory) مطرح کرد. به مدخل زاده در پیوست الف مراجعه شود. [مترجم]

۳- Cognitive Sciences - علوم شناختی از علوم بین‌رشته‌ای است و هدف آن بررسی ماهیت و عملکرد شناخت (Cognition) است. یکی از مسائل کلیدی در این رشته چگونگی پردازش اطلاعات (Information) به کمک شبکه عصبی است. از دیگر موضوعات علوم شناختی می‌توان به زبان- درک- حافظه- توجه (Attention)- استدلال و احساسات اخلاقی اشاره کرد که هر یک می‌تواند موضوع علوم دیگری مانند زبان‌شناسی- روان‌شناسی- هوش مصنوعی- فلسفه- علوم اعصاب و مردم‌شناسی باشد. از اهداف علوم شناختی می‌توان شناخت در انسان و حیوان و ابزارهای صنعتی (ابزارهای هوشمند) را نام برد. علوم شناختی در دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت و به انقلاب شناختی (Cognitive Revolution) معروف شد. [مترجم]

۴- Behavioral Sciences - علوم رفتاری به گنش موجودات زنده به‌ویژه رفتار انسان و رابطه آن با جامعه می‌پردازد و موضوعاتی را بررسی می‌کند که معمولاً در حوزه‌های جامعه‌شناسی- مردم‌شناسی- روان‌شناسی- اقتصاد- علوم شناختی- حقوق و علوم سیاسی مطرح می‌شود. فصل مشترک علوم رفتاری با جامعه‌شناسی بیش از سایر رشته‌هاست. کاربرد علوم رفتاری در اقتصاد را معمولاً اقتصاد رفتاری (Behavioural Economics) می‌گویند که مطالعه رفتار سازمانی و رفتار مصرف‌کننده از مصادیق آن است. روان‌شناسی سیاسی (Political Psychology)- روان‌شناسی